

خائن خائف است

نمیدانم چه وقت این جلادان، تفنگداران فرزندان ناخلف و بالاخره دشمنان مردم افغانستان اعم از چپ و راست از تعیین سرنوشت وطن عزیز و مردم بیچاره ما دست بردار میشوند، خائینی که نتایج اعمال شوم و ناروای شان از سه دهه بدینسو وطن عزیز ما افغانستان را میدان تاخت و تاز اجنبیان و ملت غیور ما را در گرو کشورهای همسایه، منطقه و جهان قرار داده، و امروز که حلقه زندگی بالایشان تنگ و تنگتر شده می رود و زمین زیر پاهای شان به لرزه درآمده، با تشکیل جلسات خود سرانه با کله های میان تهی خود به فکر تجزیه وطن محبوب ما برآمده اند، تا مناطق امنی تحت نام فدرالیزم برای خود بسازند که مبادا طالبان (یگانه دستاورد، محصول و تولید جنگهای ددمنشانه تنظیم ها، که درین روزها دفتری در کشور عربی قطر باز نموده اند، به کمک امریکا و جامعه جهانی دوباره به بازار بیابند و بازار این جنایتکاران تفنگدار همراه با دولت سهامی کرزی از بین برود) حوادث سال ۱۹۹۶ را بالای شان تطبیق نکنند.

اینچه غوغا شد که در یک صف شدید مانند سد
تا یکی خواهید اشکی مردم این مرز و بوم
این شما بودید که بگریختید ز زور طالبان
این صلاح باشد که بگذارید مردم در امان

ای کسانی که تا دیروز جنگیدید با هم مثل دد
ای قسم خوران، تنظیم های شوم
ای ستم گاران روزگار، ای بزدلان
جیب های تان شده مملو ز پول های حرام

مردم رنج دیده و خسته از جنگ و جنگسالار، هر روز شاهد تشکیل یک ائتلاف سیاسی غیر ملی توسط خائینی (که اساس و تهداب آنرا مسائل قومی، زبانی، سمتی و مذهبی تشکیل میدهد) در سرزمین خود هستند اعضای این گروه های سیاسی را همانا دولتمردان استفاده جو و جاه طلب که تا دیروز و حتی همین حالا ارکان عالی رتبه و معتبر دولت ناکام و فاسد حامد کرزی بودند و هستند، به مثابه تشنگان و شیفتگان قدرت و به مثابه یکعده اقلیت منفور و عاملین اصلی خرابی های افغانستان و قاتلین مردم ما که به هیچ وجه نمیخواهند منافع ای که در طی ۱۰ سال حکومت کرزی بدست آورده اند، از دست بدهند و تا نفس در گلو دارند تلاش می ورزند خود و در آینده فرزندان شان تیکداران قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی افغانستان باشند، زیرا به دُعم خود شان جهاد کرده اند. جهادیکه مجاهدین اصلی اش جهان فانی را وداع گفتند و به دیار عدم پیوستند، که بازمانده های این شهداء (بیوه ها و یتیمان) در سرتاسر مملکت حتی حق دسترسی به ضرورت های اولیه زندگی که عبارت از حق تحصیل، حق وقایه صحتی و سرپناه می باشد ندارند و در کنار جاده ها دست به گدائی نهشته اند.

البته این حق مسلم هر فرد افغان است تا ازین جنگسالاران تنظیمی که ادامه دهندگان بدبختی های افغانستان بعد از سقوط کمونیست ها بشمار میروند، بپرسند که این همه جنگ و جدال، غارتگری، تجاوزات جنسی، کشتار ۶۵۰۰۰ انسان بیگناه و ویرانی کابل زیبا از برای چه بود؟ چرا همین ائتلافات نا میمون و نا متجانس را که درین اواخر به راه انداخته اید در سالهای ۱۳۷۱-۱۳۷۵ مطابق ۱۹۹۲-۱۹۹۶ قبول نکردید که امروز شما جنگسالاران چپ و راست با تشکیل جلسات و ائتلافات نامقدس و شیطانی دور هم جمع و با طرح پلان های غیر ملی و ناجوانمردانه، فقط میخواهید به حیات ننگین خویش ادامه دهید و بس، اما... شما (چپی ها و راستی ها) امتحان خود را نزد ملت ما داده اید و باین متیقن باشید که مردم دیگر قبول تان ندارد.

هر کدام بر نوبه خود کرد این ملک خاکدان
تا که بنماید خدا این ظالمان از ما جدا

خلقیها و پرچمیها این جهادیان طالبان
ای وطنداران خدا گوئید خدا

جای تعجب است که شما جنگسالاران و نفرین شده های تاریخ تا چه وقت باین زندگی در ظاهر شاهانه اما در اصل ذلت بار و جدا از ملت ادامه میدهید؟ زیرا زندگی و زندگی کردن از خود معنی و مفهوم خاصی دارد که باید از آن لذت برد و در کنار زن و فرزند، خویش و قوم، کوچگی و همگنر عاری از خوف قدم زد و از خاطرات دوران طفولیت، جوانی و پیری سخن گفت و از اندوخته های علمی و تجارب تلخ و شیرین زندگی خود به آنها آموخت که متأسفانه شما بزدلان با وصف میلیون ها دالر پول و جایداد، خواب آرام در داخل قصرهای خود ندارید چه برسد به آنکه با دوکاندار پهلوی منزل تان صحبت کنید زیرا شما خائنین هر لحظه انتظار وقوع یک واقعه و حادثه ای که به حیات ننگین تان خاتمه میدهد بسر می پرورانید.

دپانو شمیره: له ۱ تر 2

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دليکنی د ليکنيزی بنی پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لوی

بسیار جالب است که رهبر دوره ئی این ائتلاف نا متجانس و غیر ملی در اظهارات خود اعتراف نمود که ایشان بهترین فرصت ها را از دست داده اند، اما واضح نساخت کدام فرصت ها را از دست داده اند؟ آیا فرصت های که باید مصدر خدمت به مردم میشدند؟ و یا فرصتهای پول اندوزی را از دست داده اند؟ به فکر من در قسمت فرصت های دومی همه شان بسیار مؤفق و جزئی ترین سهل انگاری هم نکرده اند.

بلی اعضای این باند ائتلافی حق دارند بالای انسان خوشباوری چون کرزی و دولت سهامی اش انتقاد کنند زیرا همین رئیس جمهور (رئیس شرکت سهامی) بیکفایت بود که بانواع شعبده بازی این مارهای زهری و کرگسها را بدور خود جمع و سهمی برایشان داده بود، و حال که بعضی ازین سهامین قسماً از مقامهای شان معزول شده اند بلادرنگ دست بتشکیل ائتلافات و جبهه های مخالف زدند تا توانسته باشند از یکسو اذهان مردم مارا با طراحی های خود جلب و از سوی دیگر مهر قانونی بر بقای حیات ننگین خود بزنند تا مدت زمان دیگر از مقابل شدن با قانون در امان باشند. مردم عزیز افغانستان! شما خود فکر کنید درحالت فعلی که نظام ریاستی در افغانستان حاکم است، والیها، قوماندانان و دیگر مقامات دولتی که از طرف حکومت مرکزی یعنی شخص رئیس جمهور تعیین میگردند در بسیاری موارد از حکومت مرکزی اطاعت ندارند. هر کدام در ولایت خود یک رئیس جمهور است، پس وا به آنروزیکه اگر تغییراتی چون سیستم پارلمانی و یا به گفته بعضی ستمی ها نظام فدرالی در شرایط فعلی که دست ما نزد هندو و مسلمان، یهود و نصارا به گدائی دراز است حکمفرما گردد چه خواهد شد.

هموطنان عزیز! مسئله مهم در وطن ما تأمین امنیت و حاکمیت قانون است نه ساختن احزاب متعدد و بازی با کلمات و مغزهای مردم، زیرا بازیهای سیاسی را مردم ما در مدت ۱۳ سال زیر سلطه رژیم کمونیستی خلقی ها و پرچمی ها، ۴ سال زیر بربریت حکومت های تنظیمی و مدت ۵ سال زیر قیمومیت سیاه دلان تاریخ قرون اوسطائی و کوردلان طالبی با گوشت و پوست خود لمس و از هر یک این رژیم ها و تنظیم های سیاسی درد و رنج های فراوانی با خود دارند.

بناءً امروز که یک فرصت طلائی برای ما میسر شده، و توجه جهان به سوی افغانستان معطوف گردیده، لازم میافتد این موقع را به باد فنا ندهیم و کوشش کنیم رهبری کشور خود را بدست یک زعیم مصمم و قاطع با تیم کاری میرا از همه تعصبات زهرآگین قومی، زبانی، مذهبی و سمتی که دستان شان آلوده به خون مردم افغانستان نباشد، و در ۳۲ سال اخیر کدام مقام و منصب بلند را در رژیم های تباه کن ایفا نکرده باشند، برای مدت حد اقل ۵ سال و حد اکثر ۱۰ سال بسپاریم، تا این اوضاع لجام گسیخته این سر زمین را با ایجاد یک سیستم حسابدهی شفاف در داخل و خارج کشور البته به کمک جامعه بین المللی و پولیس (اینترپول) سر و سامان بدهند و از یکایک این اشخاص میلیونر پرسیده شود که اینهمه ثروتهای باد آورده، لجام گسیخته و بی حساب از کجا آمده است؟ اشخاصیکه تا ۱۰ سال پیش از ترس یکعده طالب جاهل و عقبرو در مغاره های کوه ها و کولاب تاجکستان مخفی شده بودند، و از پول مواد مخدر و فروش غیر قانونی سنگهای قیمتی افغانستان به زندگی ننگین خود ادامه میدادند، امروز مالک میلیون ها دالر و ملکتهای شخصی در داخل و خارج کشور هستند.

البته این یک واقعیت است که ملت واحد افغانستان خواهان یک تغییر و تحول مثبت که منتج به رهایی شان از چنگ این زورمندان و جنگسالاران در رأس دولت بیکفایت کرزی گردد، میباشند اما نه آنچنان تغییری که توسط چپگراها، راستگراها و تندروان متحجر بعمل آید، به اصطلاح عوام ما از زیر باران بخیزند و زیر ناوه بنشینند، به این معنی که مردم رنجکشیده ما به هیچ نوع حاضر باین نیستند که سرمه های آزموده باز آزمایش کنند. زیرا همین اعضای ائتلافات نا مقدس امروز که دو دهه قبل (۱۳۷۰ مطابق ۱۹۹۰) با هم مثل درنده ها در جنگ بودند، و شهر کابل و ساکنینش را بخاک و خون کشانده بودند، امروز دایه مهربانتر از مادر شده اند تا ملت را با تشکیل یک نظام پارلمانی (که در شرایط فعلی مثل زهری خواهد بود که به رگهای این ملت نیمه جان ما ترزیق گردد) ازین بحران نجات دهند. هموطنان عزیز! بجا میدانم که از شما اقوام مختلف که هر کدام حیثیت و نمود یک گل را در باغی بنام افغانستان دارید بخواهم، تا در قسمت وحدت ملی سرزمین بخون غرقه خود بکوشیم، و در قلع و قم دشمنان داخلی و خارجی همراه با نماینده های جیره خوار شان از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نورزیم، زیرا مردم افغانستان در طی مدت زمان اضافه از ۳۰ سال در گرو این گروپ های چند صد نفری مافیای چپی و راستی قرار گرفته و تا وقتیکه این گروپ های مافیائی از بین نروند آینده افغانستان برایم تاریک معلوم میشود.

در اخیر یکبار دیگر تأکید میدارم که طرح نظریات نظام های پارلمانی و فدرالی در شرایط فعلی که افغانستان با سیاست های مجهول و غیر شفاف همسایگان و متحدین بین المللی روبروست به جرقه آتش میماند که به خرمن هستی ملت ما زده میشود.

به امید آینده درخشان افغانستان قانونمند، عاری از زورمند

پایان